

از فرماندهان نظامی تا دبیرکل

حزب‌الله لبنان در میان گروه‌های مقاومت در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا قوی‌ترین گروه از نظر قدرت نظامی (چه از نظر تعداد نیروهای آموزش دیده نظامی و چه از نظر تجهیزات) به شمار می‌رود و در شرایطی که جنگ در غزه جریان دارد، حملات حزب‌الله از جنوب لبنان یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های امنیتی برای اسرائیل محسوب می‌شود.

اسرائیل برای ضربه زدن به حزب‌الله لبنان کمپینی برای ترور فرماندهان نظامی و رهبران سیاسی ارشد این گروه به راه انداخت.

وسام الطویل روز ۸ ژانویه ۲۰۲۴ در حمله هوایی اسرائیل ترور شد. او یکی از فرماندهان ارشد واحد رضوان به شمار می‌رفت و نقش مهمی در انتقال تسلیحات به ارتش سوریه و حوثی‌های یمن داشت. اسرائیل مدعی است که وسام الطویل در حمله‌ای که در دست چند روز پیش از ترورش به جبل‌الجرمق (مونت‌مرون) در سرزمین‌های اشغالی صورت گرفت، دست داشت.

علی حسین برچی فرمانده نیروی هوایی حزب‌الله لبنان روز ۹ ژانویه ۲۰۲۴ در حمله پهپادی اسرائیل در جنوب لبنان جان خود را از دست داد.

علی محمد الدبسی، مسئول نظامی حزب‌الله در جنوب لبنان و یکی از فرماندهان ارشد واحد رضوان به همراه جانشینش حسن ابراهیم عیسی در حمله هوایی اسرائیل به جنوب لبنان در ۱۵ فوریه ۲۰۲۴ هدف قرار گرفت و به شهادت رسید. قاسم سقلاری از فرماندهان واحد موشکی حزب‌الله در حمله هوایی اسرائیل در ۲۱ مارس ۲۰۲۴ جان خود را از دست داد. علی عبدالحسن نعیم معاون فرمانده واحد موشکی حزب‌الله لبنان در ۲۹ مارس ۲۰۲۴ هدف حمله اسرائیل قرار گرفت و به شهادت رسید.

اسماعیل علی الزین فرمانده یگان ضد تانک نیروی حاج رضوان در ۳۱ مارس طی حمله هوایی اسرائیل به جنوب لبنان به شهادت رسید.

علی احمد حسین از نیروی حاج رضوان در تاریخ ۸ آوریل ۲۰۲۴، اسماعیل یوسف باز فرمانده نیروی ساحلی حزب‌الله و محمدحسین مصطفی شوری، فرمانده واحد موشکی و راکتی نیروی حاج رضوان در ۱۶ آوریل ۲۰۲۴، محمد عطیبه از فرماندهان نیروی حاج رضوان در ۲۳ آوریل ۲۰۲۴، حسین مکی فرمانده ارشد جبهه جنوبی حزب‌الله در ۱۵ مه ۲۰۲۴، سامی طالب عبدالله یکی از ارشدترین فرماندهان نظامی در جنوب لبنان در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۴، عباس ابراهیم حمزه از فرماندهان نظامی در جنوب لبنان در ۲۰ ژوئن ۲۰۲۴، محمدنعمه ناصر فرماندهی که ده‌ها عملیات علیه مواضع اشغالگران را از زمان اشغال جنوب لبنان تاکنون فرماندهی کرده بود در ۳ جولای ۲۰۲۴، مصطفی حسن سلمان، عضو واحد موشکی در ۸ جولای ۲۰۲۴ و یاسر نمر قریشی محافظ سابق حسن نصرالله در ۸ جولای ۲۰۲۴ از جمله فرماندهان ارشدی بودند که توسط اسرائیل ترور شدند. اسرائیل در ۲۰ سپتامبر ضربه مهلک بعدی را وارد کرد و ابراهیم عقیل فرمانده نیروهای ویژه حزب‌الله لبنان موسوم به یگان رضوان را ترور کرد.

فرماندهانی مانند ابراهیم عقیل نقش حیاتی در توسعه و تقویت این توانمندی‌های نظامی داشته‌اند. با کمک این فرماندهان، حزب‌الله توانسته است به یک نیروی نظامی مؤثر در مقابله با اسرائیل و دفاع از مرزهای لبنان تبدیل شود. مهم‌ترین ترور اسرائیل در سال‌های پیش از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۴ پس از ترور عباس الموسوی، ترور عماد مغنیه، فرمانده نظامی ارشد حزب‌الله در سال ۲۰۰۸ بود. ترور او در شهر دمشق پایتخت سوریه به وسیله یک بمب که به خودروی او متصل شده بود صورت گرفت. از او به عنوان مغز متفکر نظامی حزب‌الله لبنان نام برده می‌شود و اسرائیل انتظار داشت با هدف قرار دادن او جلوی روند پیشرفت نظامی این گروه را بگیرد اما در نهایت به هدف خود نرسید.

اسرائیل تلاش دارد ترور سیدحسن نصرالله و فقدان او را به معنای «نظم جدید» در منطقه و امنیت در شمال سرزمین‌های اشغالی تعریف کند اما به‌رغم ضربه‌ای که این فقدان بر بیکره حزب‌الله وارد می‌آورد بعید به نظر می‌رسد که بتواند اسرائیل را به هدف خود در منطقه برساند. از سیدهاشم صفی‌الدین، رئیس شورای اجرایی حزب‌الله لبنان به عنوان جانشین احتمالی سیدحسن نصرالله و دبیرکل بعدی حزب‌الله لبنان نام می‌برند.

در حالی که برخی منابع مدعی بودند صفی‌الدین در حمله اخیر اسرائیل به ضاحیه ترور شده است اما منابع داخلی حزب‌الله می‌گویند او سالم است و از حملات جان سالم به در برده است. از شیخ نعیم قاسم قائم‌مقام دبیرکل حزب‌الله نیز به عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی جانشینی نام برده می‌شود. یک دیپلمات اروپایی درباره این موضوع به تایمز اسرائیل گفته است: «شما یک رهبر را می‌کشید اما فردی جدید بر جای او خواهد نشست.»

لینا خطیب پژوهشگر آندیشکده جتم هاسوس نیز معتقد است حزب‌الله با ترور سیدحسن نصرالله (فرو نخواهد پانید) اما ضربه‌ای بزرگ به روحیه این گروه وارد خواهد شد. برخی تحلیلگران معتقدند ترور سیدحسن نصرالله پس از ترور تعداد زیادی از فرماندهان ارشد نظامی می‌تواند به توان نظامی حزب‌الله نیز آسیب وارد کند.

روایت هم‌میهن

ترور نصرالله و انفعال اعراب

دلیل واکنش منفعلانه کشورهای اتحادیه عرب به تجاوز نظامی اسرائیل علیه لبنان چیست؟

نیز در خصوص دلایل استعفاي نخست‌وزیر لبنان گفت: «حزب‌الله لبنان با عملکرد خود و ربودن روند سیاسی در لبنان و تهدید رهبران سیاسی، حریری را مجبور به استعفا کرد». وزیر امور خارجه وقت عربستان همچنین در همان سال و در کنفرانس مطبوعاتی با همتای اسپانیایی خود، ضمن تأکید مجدد بر موضع ریاض مبنی بر تروریست نامیدن حزب‌الله گفته بود: «در صورتی که حزب‌الله سلاح‌هایش را تحویل نداده و تبدیل به یک حزب سیاسی نشود همه لبنان به گروه‌گانی در دست این حزب و پس از آن ایران تبدیل خواهد شد». سعد حریری که خیلی زود مشخص شد عملاً در عربستان به گروه‌گان گرفته شده است، با میانجیگری رئیس‌جمهور فرانسه آزاد شد.

مواضع امارات و بحرین در محکوم کردن اقدام تلافی‌جویانه حزب‌الله در نقض حریم هوایی لبنان در شهریور ۱۳۹۸ موضوعی بود که موجب شد تا نخست‌وزیر اسرائیل در آغاز جلسه هفتگی کابینه خود از اظهارات مقامات وزارت خارجه بحرین و امارات، استقبال کند. بنیامین نتانیاهو در اظهاراتی گفت: «امارات و بحرین ناتوانی دولت لبنان را در جلوگیری از عملیات حزب‌الله علیه اسرائیل محکوم کردند». خالد بن احمد بن محمد آل خلیفه، وزیر خارجه وقت بحرین در توییتی نوشته بود: «حمله گروهی به گروهی دیگر، مسئله‌ای است که قوانین بین‌المللی آن را منع می‌کند و به نظاره نشستن کشوری بر درگیری‌هایی که در مرزهایش رخ می‌دهد و مردمش را به خطر می‌اندازد، سهل‌انگاری بزرگ این کشور در برعهده گرفتن مسئولیت‌هایش به حساب می‌آید». انور قرقاش، وزیر مشاور امارات در امور خارجه نیز در صفحه توئیتر خود ضمن انتقاد از وضعیت لبنان و تنش اخیر میان رژیم صهیونیستی و حزب‌الله مدعی شد: «تا زمانی که لبنانی‌ها از تصمیم‌گیری‌های یکجانبه و پیامدهای آن رنج می‌برند قلب ما با لبنان و لبنانیان است».

آنچه از واکنش کشورهای اتحادیه عرب، به‌ویژه عربستان سعودی و همسایگان‌ش می‌توان مشاهده کرد، حاکی از آن است که هر چند تمامی کشورهای خاورمیانه، از افزایش سطح تنش که ممکن است امنیت سیاسی و اقتصادی آن‌ها را نیز مخدوش کند، نگران هستند، اما از ابتدای تحولات پساکتبر ۲۰۲۳، با یک چشم نیز تنها به تضعیف حزب‌الله که به نابودی کلیت محور مقاومت نگریسته‌اند. کم‌اینکه در جریان عملیات «وعده صادق» به صراحت از سوی مقامات ایرانی اعلام شد که علاوه بر آمریکا، ترویکای اروپایی و اردن که به‌صورت علنی بر رهگیری و مقابله با عملیات تلافی‌جویانه ایران اذعان کردند، ۲۰ کشور منطقه نیز علیه عملیات ایران، اقدام کرده بودند. با این حال نمی‌توان با اطمینان گفت که تحولاتی که پس از وعده صادق به وقوع پیوست و نشان داد ماشین کشتار اسرائیل دیگر توفقی را برای خود متصور نبوده و درصدد است تا از فرصت به‌دست‌آمده برای تحقق تمامی اهداف جنگ‌طلبانه و بی‌ثبات‌کننده خود استفاده کند، آیا کشورهای اتحادیه عرب را نیز نسبت به تبعات تحولات جدید نگران کرده است یا خیر، چراکه حداقل در این میان، ریاض بیش از دیگران به واسطه بهره‌برداری از توافق امنیتی با ایالات متحده، پایان جنگ در فلسطین و بازگشت به پای میز مذاکره توافق ابراهیم را انتظار می‌کشد.

موضوع فعال شدن بیش از پیش سایر ارکان محور مقاومت از جمله انصارالله یمن و گروه‌های مقاومت عراقی نیز که در مقایسه با حزب‌الله از ساختار یافتگی پایین‌تری برخوردار بوده و نسبت به عواقب و تبعات اقدامات خود نیز کنترل کمتری دارند، موضوعی نیست که کشورهای منطقه از جمله اتحادیه عرب از آن استقبال کنند. در این میان البته اقدام تلافی‌جویانه احتمالی ایران نیز که تاکنون نسبت به ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران، واکنش نشان نداده، موضوعی است که کل منطقه را در شرایط جنگی نگاه داشته و کانال‌های معروف برای کنترل تنش از جمله عمان و قطر را نیز مجدداً فعال خواهد کرد.

اعلام موفقیت‌آمیز بودن عملیات ارتش اسرائیل در ترور سید حسن نصرالله، به‌طور حتم تحولات خاورمیانه را به سمت و سوی متفاوتی از آنچه در ۱۱ ماه اخیر رخ داده، سوق خواهد داد. باید دید با حذف رهبر قدرتمند حزب‌الله لبنان، تعیین جانشین او و استراتژی احتمالی جدید این رکن مهم از محور مقاومت، کشورهای عرب منطقه چه موضعی در قبال جنگ‌افروزی اسرائیل در قبال لبنان اتخاذ خواهند کرد.



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

با آغاز موج جدید حملات اسرائیل به لبنان، از همان ساعات نخست، مشخص شده بود که اسرائیل درصدد انتقال زمین جنگ به شمال فلسطین اشغالی و آغاز یک جنگ تمام‌عیار علیه این کشور به بهانه مبارزه با حزب‌الله است. بمباران گسترده شهرهای لبنان به‌ویژه حومه جنوبی بیروت اما آنقدر که امانوتل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه را نگران کرد تا برای آتش‌بس تلاش کند، به موضوع مهمی برای سران عرب خاورمیانه تبدیل نشد تا جایی که عربستان سعودی، در مواضعی منفعلانه که گاه به جهت بیانش از سوی سازمان ملل متحد، موجب تمسخر قرار می‌گیرد، عنوان کرد که «تحولات لبنان را با نگرانی شدید دنبال می‌کند و از همه طرف‌ها خواست حداکثر خویشتنداری را به خرج دهند».

عبدالله بن حسین، پادشاه اردن که هر چند اراده و توان اقدامی عملی در قبال نسل‌کشی در فلسطین و لبنان را ندارد اما همواره سوژه شهروندان کشورهای عربی و غیرعربی در خصوص مواضع توخالی و تظاهرهایش به حمایت از آرمان فلسطین است اما باز هم مواضع تندتری را در صحن سازمان ملل متحد ایراد کرد. ایمن‌الصفدی، وزیر امور خارجه اردن نیز با متهم کردن اسرائیل به تجاوز، خواستار واکنش جهانی برای کاهش تنش شد. وزیر امور خارجه اردن گفت: «ما بر نیاز فوری شورای امنیت [سازمان ملل] به اقدام فوری برای مهار تجاوزات اسرائیل تأکید می‌کنیم». وزارت امور خارجه مصر نیز از شورای امنیت سازمان ملل خواست تا مداخله کند و هرگونه نقض حاکمیت لبنان را محکوم کرد.

اتحادیه عرب سال ۲۰۱۶ به درخواست عربستان سعودی و امارات متحده عربی، حزب‌الله را سازمان تروریستی اعلام کرد؛ هر چند حسام زکی، دبیرکل اتحادیه عرب یک روز پس از سفر تیرماه خود به بیروت گفت این سازمان دیگر حزب‌الله را سازمان تروریستی نمی‌داند اما نگاه کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی به حزب‌الله موضوع محرمانه‌ای نیست. هر چند بسیاری از تحلیلگران، این اقدام اتحادیه عرب را چرخشی تاریخی به سمت مقاومت در لبنان و همچنین دومین پیروزی جمهوری اسلامی ایران پس از بازگشت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه به اتحادیه عرب تعبیر کردند اما به‌راحتی می‌توان دریافت که شاید این اقدام را باید تنها پاسخ رهبران عرب به افکار عمومی کشورهای خود قلمداد کرد که آن‌ها را به بی‌عملی در قبال موضوع فلسطین متهم کرده و حزب‌الله لبنان را ستایش کردند.

در تازه‌ترین تنش میان عربستان سعودی و لبنان در آبان ماه ۱۴۰۰ که در پی سخنان جورج فرح‌احی، وزیر اطلاع‌رسانی لبنان در محکومیت حمله عربستان و نیروهای ائتلاف به یمن صورت گرفت و موجب شد تا ریاض، سفیر خود در بیروت را فرابخواند، فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه وقت عربستان در اظهارتی گفت: «ما به این نتیجه رسیده‌ایم که با توجه به تسلط مداوم حزب‌الله بر صحنه سیاسی لبنان و بی‌میلی‌ای که در دولت کنونی این کشور و سیاستمداران آن برای ایجاد اصلاحات و اقدامات لازم برای قرار دادن لبنان در مسیر تغییر واقعی مشاهده می‌کنیم، فکر می‌کنیم تعامل با لبنان و دولت کنونی آن سازنده و مفید نیست». این در حالی است که در سخنان سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله در مهرماه همان سال، عربستان به‌صورت ضمنی به تلاش برای ایجاد جنگ داخلی در لبنان متهم شد.

پیش از آن و در آبان ماه ۱۳۹۶ و در حالی که سعد حریری، نخست‌وزیر وقت لبنان در سفر به عربستان سعودی، به‌صورت ناگهانی استعفاي خود را از این سمت اعلام کرده بود، بر روی صفحه تلویزیون ظاهر شد تا دلایل استعفاي خود را بیان کند و انگشت اتهام را به سمت ایران و حزب‌الله گرفت. حریری این مصاحبه تلویزیونی که او را در بدترین حالت ممکن، با خستگی و بغض نشان می‌داد، ایران را به دخالت در لبنان با استفاده از بازوی خود در این کشور یعنی حزب‌الله متهم کرد. عادل الجبیر، وزیر امور خارجه وقت عربستان سعودی

گروه را متهم می‌کردند که با تشکیل ارتشی قدرتمندتر از ارتش لبنان و حتی بسیاری از کشورهای عربی، عملاً دولت در دولت تشکیل داده و با اتکاء به نیروی نظامی خود، دیگر احزاب را محقور خودساخته است. گرچه سیدحسن نصرالله همواره تأکید می‌کرد که نیروی نظامی حزب‌الله فقط برای مقابله با تهدیدهای خارجی به‌ویژه تهدید اسرائیل به کار گرفته می‌شود و در سیاست داخلی نقش بازی نمی‌کند، اما گروه‌های رقیب و مخالف او، اصل وجود چنین نیروی آموزش دیده و مسلحی را به زبان خود ارزیابی می‌کردند و بر خلع سلاح آن اصرار داشتند.

اکنون که حزب‌الله متحمل ضربات و تلفات سنگینی بر اثر حمله نظامی اسرائیل به خاک لبنان شده و کادر فرماندهی خود را از دست داده است، رقبای و مخالفان حزب‌الله ظاهراً آن را فرصتی برای تجدید حیات سیاسی خود می‌بینند و از همین رو، به احتمال زیاد در پشت پرده، مشغول رایزنی‌های داخلی و خارجی برای تدوین و اجرای طرحی هستند که از یک طرف مانع از تجدید قوا و بازسازی نظامی حزب‌الله شوند و از طرف دیگر با انتخاب رئیس‌جمهور جدید، روند جنگ با اسرائیل به نقطه پایان خود برسد.

بنابراین به نظر می‌رسد که پس از پایان حملات سنگین اسرائیل به نیروها و ذخایر نظامی حزب‌الله، ابتکار دیپلماتیک مطرح نشده، به قصد اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ جان تازه‌ای بگیرد. این روند قاعدتاً بدون دردرس نیست، اما حامیان پروپا قرصی دارد که عمدتاً در پشت صحنه فعالیت می‌کنند.



ایران چه خواهد کرد؟

سوال مهم در این میان این است که ایران به‌عنوان کشوری که روابط بسیار نزدیک و استراتژیکی با حزب‌الله لبنان دارد، چه واکنشی به اقدامات اخیر اسرائیل نشان خواهد داد؟ طبیعی است که با ادامه ترور و حملات هدفمند اسرائیل علیه حزب‌الله، ایران مقیاس کمک‌های خود را به حزب‌الله افزایش دهد تا اطمینان حاصل کند که حزب‌الله لبنان همچنان قدرتش را حفظ خواهد کرد. با ادامه کمپین نظامی اسرائیل علیه حزب‌الله حتی این احتمال نیز وجود دارد که ایران در نهایت مجبور به مداخله مستقیم شود. مسلم است که اگر این تصمیم به مداخله بگیرد، با توجه به تجاوزات فزاینده اسرائیل، در ابتدا ایران سایر اعضای محور مقاومت را فعال خواهد کرد تا طی حملاتی به اسرائیل، حزب‌الله را تا حدی از زیر فشار اسرائیل بیرون آورند. اعضای محور مقاومت نظیر حوثی‌ها در یمن و کتائب حزب‌الله در عراق از پیش متعهد شده‌اند در صورت وقوع جنگ گسترده تر بین اسرائیل و حزب‌الله، زیرساخت‌های غیرنظامی و نظامی اسرائیل را با هواپیماهای بدون سرنشین و موشک‌های بالستیک هدف قرار دهند تا پادفاند اسرائیل ناکارآمد شود. اما ایران به‌رغم تحریک‌های متعدد و مکرر اسرائیل تاکنون از انجام حمله مستقیم به اسرائیل، خودداری کرده است. صبر ایران در پاسخ به ترور اسماعیل هنیه در تهران گواه این مدعا است. ایران در عوض، ترجیح داده است به‌عنوان حامی و هماهنگ‌کننده حملات اعضای محور مقاومت علیه اسرائیل نقش آفرینی کند؛ به‌گونه‌ای که اسرائیل توجیهی برای حمله به ایران و یا کشتادن پای آمریکا به درگیری نداشته باشد. با این حال، باید پذیرفت که این موضع ایران در درازمدت نمی‌تواند ادامه یابد. اگر ایران در بحران فعلی به راهکاری دیپلماتیک و یا عملیاتی که عملی باشد نرسد، جایگاهش به‌عنوان رهبر بلوک ضد اسرائیلی در منطقه تضعیف خواهد شد. بنابراین باید گفت که به لحاظ انگیزه‌ای، ایران انگیزه سیاسی و استراتژیکی برای انجام عملیات‌های مستقیم علیه اسرائیل را با هدف تقویت موقعیت خود به عنوان یک متحد و شریک قابل اعتماد برای گروه‌های مقاومت منطقه دارد. اما این انگیزه ممکن است به واسطه پارامترهایی نظیر توان عملیاتی علیه اسرائیل و یا تبعاتی که این عملیات‌ها به واسطه پاسخ احتمالی می‌تواند داشته باشد، محدود شود. البته ممکن است ایران حمله‌ای مشابه حمله قبلی‌اش به اسرائیل صورت دهد. همچنین سفارتخانه‌ها و منافع اسرائیل در سراسر جهان نیز ممکن است هدف حملات مخفیانه ایران قرار گیرند.

